

الجماهير وعواطفهم وأحاسيسهم ، وألا يركنوا إلى التكبر والغرور .  
وقد أوردت حواراً بين عالم متكبر وجاهل ، بدأه العالم بالتعالي والتسامي  
على الجاهل ، مما حدا بالجاهل إلى أن يصارح العالم بأن العلم يكسب  
صاحبه الفضيلة ، وإذا كانت فضيلة العلم العجب والغرور ، فهو  
يحمد الله على حرمانه من هذه الفضيلة ؛. ومما جاء في هذا الحوار :

« باد پروت »

عالی طعنه زد به نادانی  
که بهر موی من دو صد هنر است  
چون توئی را به نیم جو نخرند  
مرد نادان ز چاربا پتر است  
نه تن این ، بر دل تو بار بلاست  
نه سر این ، بر تن تو در دسر است  
بر شاخ هنر چگونه خوری  
تو که کارت همیشه خواب و خور است

۵ - نسزد زندگی وبی خبری  
مرده است آنکه چون تو بیخبر است  
گر تو هفتاد قرن عمر کنی  
هستیت هیچ و فرصت هدر است  
نه شما را ز دهر منظوری است  
نه کسی را سوی شما نظر است  
همه خلق ، دوستان منند  
مگسارند هر کجا شکر است  
همچو مرغ هوا سبک بپریم  
که مرا علم ، همچو بال و پراست